

سلام

چطور خدا را امتحان میکنم؟

وقتی در کارهایم عجله میکنم و با قضا و کُن فکان مسابقه میدهم دارم خدا را امتحان میکنم که آیا میتواند از من جلو بزند؟

وقتی در روابطم با دیگران قواعد اجتماعی و پارک ذهنی را مو به مو رعایت میکنم و در عوض باز خورد مشابه نمیگیرم و قضاوت میکنم و ایراد میگیرم خدا را امتحان میکنم که مگر قرار نبود هرچه میکاریم همان را درو کنیم پس چه شد؟

وقتی روی خودم کار میکنم و نتیجه را با ذهنم می‌سنجم و راضی نیستم دارم خدا را امتحان میکنم که ترازویت درست کار نمیکند.

وقتی غذای ناسالم میخورم و میگویم این دفعه فرق دارد دارم خدا را امتحان میکنم که آیا تشخیص میدهد استثنا هم وجود دارد؟

وقتی تنبلی میکنم و ورزش نمیکنم دارم خدا را امتحان میکنم که اگر واقعاً حواسش به بندهاش هست پس نیاز به ورزش نیست.

اگر هر فکر و عملی با من ذهنی امتحان خداست این موارد مثنی از خروار است و بی ادبی نسبت به خالق خودم.

بنده را کی زهره باشد کز فُصول/امتحان حق کند ای گیج گول؟

آن خدا را می‌رسد کو امتحان/پیش آرد هر دمی با بندگان
مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت شماره ۳۶۰/۳۶۱

فُصول=گستاخ

با تشکر سیمین از تهران